

Comparative study of the concepts, senses and method of amnesty and forgiveness in the Holy Quran and Gospels

Mohammad HoseinTohidiFard¹ | Dadkhoda Khodayar² Khalil HakimiFar³

1. Graduated Master of Religions and Gnostics University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: erfani2015@gmail.com
2. Associate Professor of the Department of Theology and Islamic Studies of the University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: abazeynab@yahoo.com
3. Assistant Professor of Theology and Islamic Studies of the University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 17 April 2017
Accepted: 9 October 2017

Keywords:

Ghofran;
Quran;
Gospels;
Ethics;
Kindness

ABSTRACT

Amnesty means to forgive mistakes and avoiding revenge inspire of having ability and ghofran means covering sin and error. In many monotheistic religions, emphasis has been placed on forgiveness. Islam and Christianity have paid special attention to this discussion in their sacred texts too. In this research, the meanings, examples and method of amnesty and forgiveness are described, analyzed and compared in two sacred books by documentary and library study with focus on their similarity and differentiation. As a result, the amnesty and grace in the Holy Quran was in the form of recommendation to the Prophet (peace be upon him) and to the Muslims; but In the Gospels, the recommendation is addressed to the people only. At the same time, both of sacred books have used similar and different methods to invite people to pardon

Cite this article: Tohidi Fard, M,H, & Khodayar, D. Hakimi Far ,K.(2017). Comparative study of the concepts, senses and method of amnesty and forgiveness in the Holy Quran and Gospels *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 1 (1), 1-26. DOI: 10.22111/jrm.2018.3974



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2018.3974

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

بررسی تطبیقی معانی، مصادیق و روش عفو و غفران در قرآن کریم و اناجیل اربعه

محمدحسین توحیدی فرد^۱ | دکتر دادخدا خدایار^۲ | دکتر خلیل حکیمی فر^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان، ایران. رایانامه:

nuni2015@gmail.com

۲. دانشیار، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: abazeynab@yahoo.com

۳. استادیار، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه:

behfar_mehr@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۹</p> <p>واژه‌های کلیدی: عفو، غفران، قرآن کریم، اناجیل اربعه، اخلاق، محبت.</p>	<p>عفو، به معنای گذشت از اشتباه خاطی و چشم پوشی از گرفتن انتقام باوجود داشتن قدرت آن و غفران به معنی پوشاندن گناه و خطا به کار رفته است. در بسیاری از ادیان توحیدی بر بخشش تأکید فراوانی شده؛ اسلام و مسیحیت نیز در متون مقدس به این بحث توجه ویژه ای داشته اند. در این پژوهش با روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای به توصیف، تحلیل و تطبیق روش، معانی و مصادیق عفو و غفران در دو کتاب مقدس و زمینه‌های اشتراک و افتراق این موضوع پرداخته شده است. حاصل آنکه مراتب عفو و غفران در قرآن کریم به صورت امر و توصیه خطاب به پیامبر (ص) و مسلمانان بوده و در اناجیل به صورت توصیه تنها خطاب به مردم می باشد که در هر یک از دو کتاب شامل گروهی با شرایط متفاوت خواهد شد. در عین حال، دو کتاب مقدس، از روش‌های مشابه و متفاوتی برای دعوت مردم به عفو بهره گرفته‌اند.</p>

استناد: توحیدی فرد، محمدحسین؛ خدایار، دادخدا؛ و حکیمی فر، خلیل (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی معانی، مصادیق و روش عفو و غفران در قرآن کریم و

اناجیل اربعه، مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ۱ (۱)، ۲۶-۱. DOI: 10.22111/jrm.2018.3974



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه:

عفو و غفران یک نوع نرمش قهرمانانه، روش بزرگوارانه و برخورد مهربانانه است که از بلندی نظر، سعه صدر، بردباری و متانت اخلاقی فرد حکایت میکند؛ خداوند متعال نیز در آیات ۱۹۹-۲۰۱ سوره اعراف بدین امر اشاره می فرماید. عهد جدید و نیز مدام از بخشش سخن می گوید و مسیح (ع) را به عنوان منجی و انتقال دهنده عفو و بزرگی سرشت پروردگار بر روی زمین معرفی می کند.

در عصر حاضر که توجه انسان و جوامع بیشتر به خود معطوف شده و خشونت و عداوت در جوامع گسترش یافته، شاید با بیان مصادیق، مفاهیم و روش عفو و غفران در ادیان الهی اسلام و مسیحیت (با تأکید بر قرآن و اناجیل اربعه)، بتوان گامی در احیای این خصیصه برداشت و از ضایع شدن جان و مال انسان‌ها، نابسامانیهای خانوادگی در اثر نبود روحیه عفو که منجر به متلاشی شدن و از هم پاشیدن کانونهای زندگی و افزایش آمار طلاق و ... می شود، جلوگیری نمود.

به لحاظ مفهوم شناسی عفو در لغت به معنای گذشت از گناه و ترک مجازات یا محو الآثار (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق: ۷۲) و بخشیدن گناه (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۹) و عمل آمرزش (Oxford Dictionary 2004: 578) و چشم‌پوشی از تنبیه در عین داشتن قدرت انجام آن می باشد. (Qurik, 2001 : 632 ; Hornby, 2002: 463).

ماده ی عَفَوَ با مشتقاتش ۴۳ بار در قرآن کریم آمده است که همه ی آنها به معنای عفو و گذشت نیست، بلکه معانی متعددی دارد. عفو با مشتقاتش به معنای گذشت و بخشش ۳۹ بار در قرآن آمده است. (عبدالباقی، ۱۳۷۵: ۵۹۲) در قرآن کریم واژه ی غفر و مشتقات آن ۲۳۴ بار به کار رفته است. در همه ی این موارد غفران به معنی پوشاندن گناه و خطا به کار رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۸۷). در اناجیل اربعه نیز این واژه به معنای عفو الهی و نیز عفو در روابط اجتماعی به کار رفته است. به عنوان مثال واژه Forgive ۴۷ بار در انجیل متی به کار رفته که تنها ۱۷ مورد از آن به معنای عفو یا مغفرت بوده است (Lamerson, 1999:79).

معانی عفو و غفران در قرآن کریم و اناجیل

عفو و غفران در قرآن کریم دارای چندین شکل و معناست که عبارتند از:
الف: عفو، به معنای ترک انتقام و هرگونه عکس العمل (قرآن، تغابن، ۱۴).

ب: صفح؛ به معنای روی برگرداندن و نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن (حجر، ۸۵).
 ج: غفران؛ به معنای پوشانیدن آثار خطا و گناه. این مرحله عالیترین درجه عفو است که اولیای الهی به آن دست یافته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ح ۳/ ۴۲۵)
 آنچه در اناجیل اربعه آمده است، سیره و سخنان حضرت عیسی (ع) و یاران ایشان است که به وسیله شاگردان آن حضرت جمع آوری شده است. از دید مسیحیت، سه چیز در جهان پایدار است؛ ایمان، امید و عشق؛ که عشق از همه اینها بزرگتر است. عشق و محبت در تعلیمات حضرت عیسی (ع) کلید عشق الهی است. در اناجیل عشق به حدی رفعت می‌یابد که حتی دشمن خود را باید دوست داشت. مسلم است عشقی که به محبت می‌انجامد باید با گذشت توأم باشد. پس کمال در مکتب حضرت عیسی (ع) با تکمیل فضایل اخلاقی و انسانی به خصوص ارائه عشق و گذشت میسر است. (انجیل متی، ۵: ۳۸-۴۷؛ آشتیانی، ۱۳۶۸: ۳۸۷-۳۸۸)

شیوه‌های امر به عفو و غفران (قرآن و اناجیل اربعه):

الف- ارائه تمثیل:

در قرآن کریم به صورت مکرر در داستان پیامبران از این روش برای دعوت به عفو استفاده شده است. در بسیاری از قطعات متون اناجیل اربعه، از ادبیات تمثیلی به صورت مکرر استفاده شده است. حضرت عیسی (ع) برای بیان تعالیم از تمثیل و داستان بهره می‌جست و دستورات اخلاقی خداوند را با استفاده از داستان‌هایی در آن زمینه در ذهن مردم تثبیت می‌کرد. برای تعلیم گذشت نیز از تمثیلی روایت گونه بهره می‌جوید. بعنوان مثال او می‌فرماید: «وقایع ملکوت خداوند مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تسویه کند و بدهکار کلان خود را در ازای استدعای وی مهلت داد و قرض وی را بخشید، اما او به محض این امر، دوست خود را بابت طلب خودش به زندان انداخت. دوستان این شخص ماجرا را به گوش پادشاه رساندند، پادشاه بلافاصله آن مرد را خواست و به او گفت: ای ظالم بدجنس، من به خواهش تو آن قرض کلان را بخشیدم، آیا حقش نبود تو هم به این همکارت رحم می‌کردی، همان طور که من به تو رحم کردم؟ پادشاه دستور داد او را به زندان بیندازند و تا آخر قرضش را نپرداخته آزادش نکنند. بلی و اینچنین پدر

آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد، اگر شما برادران را از ته دل نبخشید» (انجیل متی، ۱۸ : ۳۵-۳۳).

ب- ارائه الگوی عملی :

در این روش از عفو و غفران، افرادی بعنوان الگو معرفی شده اند. ؛ روشی که امروزه در علم روانشناسی به عنوان روش برتر و مؤثرتر تربیتی محسوب میشود و به اثبات رسیده است که دارای تأثیراتی به مراتب بیشتر از روش بیان مستقیم است و نیز مؤید استفاده از روشهای مختلف جهت تربیت و هدایت انسانهاست (رشیدپور و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۰).

حضرت عیسی (ع) نمونه زندگی و رفتار شخصی خاص را وارد زندگی دین یهود کرد که بسیار خاص بود. هیچ یک از افرادی که در عهد عتیق از آنان سخن به میان آمده، آنگونه که حضرت عیسی (ع) از گناه افراد می گذشت، عفو و گذشت نداشتند. در شرایطی که ایشان مورد اهانت و تحقیر بی مورد قرار گرفته بود و در حالی که به صلیب کشیده شد و رو به مرگ بود در فکر دشمنان خویش بود و برای ایشان دعا می کرد (هیوم، ۱۳۶۹ : ۳۵۲) و میفرمود : «ای پدر این ها را بیامرزش زیرا نمی دانند که چه می کنند» (انجیل لوقا، ۲۳ : ۳۴). حضرت عیسی (ع) کوشیده است که الگویی کامل برای بشریت باشد و به آدمی بیاموزد که چگونه باید عشق را در حالات مختلف درک کرد و به کار گرفت. به عنوان نمونه او به جای قانون قصاص که در دین یهود مرسوم بود، درس بخشش می دهد و عشق را جایگزین می سازد که مولد گذشت است. (مالرب، ۱۳۷۹ : ۱۸۶). این چنین است که مسیحیان نیز وی را اسوه الهام و وسیله ای برای دگرگونی و تحول خویش می شناسند چرا که او محبت همراه با از خود گذشتگی را به ایشان آموخت و پیرامون ایشان نیز با تاسی به این معلم بزرگ، گاه توانسته اند به بزرگترین درجات مساوات و گذشت نائل شوند (توماس، ۱۳۷۷ : ۹۰).

در قرآن کریم عفو، به عنوان صفت و ویژگی افراد و گروههایی عنوان شده است که به شرح زیر ارائه می گردد :

پیامبران الهی:

نخستین گام در سیره ی انبیاء در برخورد با مخالفان همواره نرمش و مدارا بوده است. آیه ۱۵۹ آل عمران، آیات ۶۰، ۶۱، ۶۶ و ۶۷ اعراف، آیات ۴۲ تا ۴۷ مریم، آیه ۴۴ طه، آیات ۲۳ و ۲۴ شعرا، آیه ۸۵ حجر و آیه ۸۹ زخرف نمونه‌ای از نرمش و مدارا هستند. خداوند متعال،

پیامبر(ص) را به عنوان الگوی یک انسان خوش خلق و نرم خو معرفی کرده و گذشت در رفتار، عدم خشونت در گفتار و عمل را از خصوصیات ایشان عنوان می نماید.

پرهیزکاران:

در آیه ۱۳۴ آل عمران خداوند عفو را از خصوصیات پرهیزکاران بیان داشته است. در این آیه سومین خصوصیت افراد متقی پس از انفاق و کظم غیظ را گذشت از خطای بندگان عنوان نموده است. در این آیه واژه «عفو» به معنای گذشت آمده و در آن خداوند مردم را دعوت به عفو عمومی مردم کرده است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۱۵۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۵/ ۳۳۵).

مؤمنان:

خداوند متعال در آیه ۳۷ شوری اشاره می فرماید که از خصوصیات مؤمنان این است که هرگاه در اثر ستمی که به آنان شده خشمناک شوند؛ نه تنها گرفتار غضب نمی شوند؛ بلکه خاطی را می بخشند و هرگز مقابله به مثل نمی کنند (طباطبایی، ج ۱۷/ ۱۴۱، ۱۸۰.ق. : ج ۸/ ۶۳) در این آیه واژه «غفر» به معنای گذشت می باشد. چرا که با توجه به آیات قبل مشخص می گردد که خداوند در حال شمارش صفات مؤمنان می باشد.

شایسته ترین بندگان خداوند:

بر طبق آیه ۶۳ فرقان، یکی از خصوصیات عبادالرحمن (شایسته ترین بندگان خدا) این است که هرگاه جاهلان به آنان سخن زشت و ناپسندی گویند، زبان خود را به حرف ناشایست آلوده نمی کنند و در پاسخ آنان «سلام» می گویند؛ یعنی سخن درست و با ملامت و با جاهلان مقابله به مثل نمی کنند (طبری، ۱۴۱۲.ق. : ج ۱۹/ ۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۸۰/ ۷) سلامی که نشانه بی اعتنائی توأم با بزرگواری است نه ناشی از ضعف، سلام وداع، سلامی که نشانه حلم و بردباری ایشان است (مدرسی، ج ۸، ۱۴۱۹.ق. : ج ۸/ ۴۷۳) به دلیل اینکه توهین و سخن ناپسند را نادیده گرفتن و با بزرگواری پاسخ دادن، گذشت و بخشش خاطی را می طلبد؛ می توان این آیه را نیز از مصادیق عفو و غفران محسوب نمود.

ج- توصیه

برخی آیات و جملات در قرآن کریم و اناجیل اربعه؛ مسلمانان و مردم را به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به عفو توصیه می کنند. این توصیه ها از روی لطف و مهربانی یا همراه با تهدید هستند.

توصیه از روی لطف و مهربانی:

خداوند متعال در قرآن کریم، در آیات ۴۰ شوری و ۱۲۶ نحل ضمن بیان حق فرد در انتقام گیری، او را به عفو توصیه می کند. در این آیات ابتدا حق فرد مظلوم را در قصاص معادل ظلم روا شده به او مطرح کرده و به صراحت اعلام می دارد که عدالت آن است که به همان میزان و نه کمتر و بیشتر قصاص نماید (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۱۰/ ۴۱۸؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۱۶/ ۲۱۸). با این وجود بلافاصله پس از بیان حق انتقامگیری و قصاص به بخشش، اصلاح و صبر در برابر عقوبت که بسیار بهتر و والاتر است توصیه می نماید.

در آیه اول بخشش و اصلاح بسیار حائز اهمیت است. تفاسیر این اصلاح را چندگونه تعبیر کرده اند؛ برخی آن را اصلاح ظالم (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۹/ ۵۰۴)؛ برخی آن را اصلاح بین بنده و خدا (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹/ ۵۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. : ج ۱۸/ ۶۴)؛ برخی آن را اصلاح بین ظالم و مظلوم (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ه.ق. : ج ۴/ ۳۷۹؛ زحیلی، ۱۴۲۲ه.ق. : ج ۳/ ۲۳۴۲) دانسته اند.

در خصوص آیه ۱۲۶ سوره نحل اگرچه در مورد مجازات مشرکان و کافران است، اما معنای عامی را در بردارد. این آیه پس از رعایت عدالت در انتقام جویی، مسلمانان را به صبر کردن در برابر عقوبت تشویق می کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. : ج ۱۲/ ۳۷۴). در این آیه از واژه صبر به منزله ی عفو و گذشت استفاده شده است چرا که لازمه ی صبر در برابر ظالم، گذشت و غفران از ظلم اوست.

از طرفی آیاتی در قرآن کریم هستند که به صورت مستقیم و با اینکه فرد قادر به مجازات است، او را به عفو توصیه می نمایند: "و هر کس شکیبایی نموده و عفو کند، این کار، از امور پر ارزش است. (قرآن، شوری، ۴۳)"

"اگر نیکی ها را آشکار یا پنهان سازید، و از بدی ها گذشت نمایید، خداوند آمرزنده و تواناست." (و با این که قادر بر مجازات است، عفو و گذشت می کند) (قرآن، نساء، ۱۴۹)

در آیه اول از واژه صبر و غفر برای معنای گذشت استفاده شده است. چرا که فردی که به خاطر خدا صبر پیشه کند و از ظالم انتقام نگیرد، این صبر و گذشت از عالیترین امور در رسیدن به پاداش الهی و بسیار پسندیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. ج: ۱۸/۶۵). البته برای عبارت «عزم الامور» در تفاسیر دیگر، معنای قاطعیت و اراده انسان برای تحقق اهدافش ذکر شده است (مدرسی، ۱۴۱۹ه.ق. ج: ۳۸۱/۱۲). در آیه دوم از واژه عفو برای مفهوم گذشت استفاده شده است. علامه طباطبایی، معنای عفو در این آیه را به دو صورت دانسته است: نخست با زبان و آن این است که نام کسی را که به او بدی کرده، نزد مردم فاش نکند و آبروی او را نبرد و در نهان و آشکار به او سخن زشت نگوید. دوم در عمل و آن این است که در مقام تلافی ظلم او برنیاید و از او انتقام نگیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. ج: ۱۲۴/۵).

بیشتر توصیه های مستقیم جملات عفو در اناجیل اربعه توصیه هایی از جایگاه لطف یا مهربانی هستند. این جملات با وعده دادن لطف الهی و پاداش و بخشایش او، انسانها را به عفو توصیه می نماید و راهکارهایی نیز در موقعیت های مختلف بیان داشته اند. این عبارات انسانها را به عفو در برابر گروههای مختلفی از جمله توصیه به عفو دوستان و برادران دعوت کرده است. برخی اوقات به صورت کلی و در برابر همگان به عفو توصیه می کند و می گوید "گذشت داشته باشید تا نسبت به شما گذشت داشته باشند" (انجیل لوقا، ۶: ۳۷).

و یا می فرماید :

"اگر برادرت در حق تو خطایی ورزد، او را از اشتباهش آگاه ساز. اگر پشیمان شده او را ببخش. حتی اگر روزی هفت مرتبه به تو بدی کند و هر بار نزد تو باز گردد و اظهار پشیمانی کند او را ببخش" (انجیل لوقا، ۱۷ : ۴-۵).

و باز در جای دیگر می فرماید :

"اگر برادری به تو بدی کند، برو و خصوصی با او گفتگو کن و او را متوجه خطایش ساز. اگر سخن تو را گوش گرفت و به تقصیرش اعتراف کرد، برادری را باز یافته‌ای. ولی اگر قبول نکرد، این بار با دو یا سه نفر دیگر پیش او برو تا این اشخاص شاهد سخنان تو باشند ولی اگر باز هم به گفته های شما گوش نداد، آنگاه موضوع را با کلیسا در میان بگذار" (انجیل متی، ۱۸ : ۱۵-۱۷).

در تمام این جملات انسان از جایگاه لطف و مهربانی مورد خطاب قرار گرفته است و به دلیل مزیتی که عفو برای او دارد به آن توصیه شده و البته وقتی نوبت به عفو برادر و دوست می رسد انعطاف بیشتری از انسان طلب شده است.

توصیه از نوع تهدید:

با بررسی آیات قرآن کریم مشخص گردید که چنین توصیه ای در کتاب مذکور وجود ندارد اما برخی جملات اناجیل برای اینکه جایگاه عفو و اهمیت رفع کینه و کدورت از دل را نشان دهد، از عبارت اغراق آمیزی استفاده کرده و بیان می دارد:

" هر که از برادر خود نفرت داشته باشد در واقع قاتل است و می دانید هر کس که قصد قتل کسی را داشته باشد. هرگز به زندگی ابدی دست نخواهد یافت" (انجیل یوحنا، ۱۳: ۱۵).

قطعاً در این جمله منظور از قتل، قتل واقعی نیست؛ بلکه مطلب با عبارات اغراق آمیزی بیان شده است تا توجه مخاطب را به ضرورت نداشتن کینه از دوست و بخشش کامل او بیان دارد.

بیان مصادیق بخشش در قرآن و اناجیل:

۱- عفو سائل مصر:

گاهی خداوند با توصیه مستقیم و به صورت مصداقی خاص، مسلمانان را به عفو دعوت می کند. یکی از آنها عفو سائل مصر است. خداوند مسلمانان را در آیه ۲۶۳ بقره به عفو چنین فردی توصیه کرده است. آیه مذکور از واژه مغفرت برای گذشت و ستر عیوب استفاده کرده است. این آیه در مورد بخشش سائل است و می فرماید: با سائل سخن نیکو گفتن و بخشیدن سائل مصری که ممکن است با خواسته اش مزاحم انسان شود و حق او را زایل سازد و یا مخفی داشتن نیاز او از دیگران، بهتر از صدقه یا بخشش مالی است که آزار یا منت به دنبال داشته باشد؛ زیرا چنین بخششی در دنیا و در آخرت پاداشی ندارد. سپس تأکید می فرماید: که خداوند از صدقات و طاعات شما بی نیاز است و در کیفر دادن کسی تعجیل نمی کند (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۴۲۶). در واقع آیه به صراحت به نفس بخشش اشاره داشته و بخشش بدون منت و آزار را بالاتر از بخشش با منت و آزار می داند.

۲- عفو بدهکار تهیدست:

خداوند متعال در آیه ۲۸۰ بقره مسلمانان را به عفو بدهکار تهیدست توصیه می‌کند. بدین مفهوم که اگر بدهکار شما در تنگدستی قرار گرفته است، لازم است تا زمانی که تمکن مالی پیدا کند برای پرداخت بدهیاش به او مهلت دهید و بعد نیز می‌فرماید که اگر طلب خود را به او انفاق کنید و ببخشید، برای شما از امهال سودمندتر است، البته اگر به سود و زیان خود واقف باشید (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه.ق. : ج ۱/ ۳۰۴). در این آیه، خداوند مسلمانان را به بخشش مالی نیز توصیه فرموده است؛ ابتدا مسأله امهال را به عنوان مورد عفو بیان نموده و سپس بخشش مالی را به عنوان گزینه‌ای برتر، توصیه می‌فرماید.

۳- عفو خانواده:

خداوند متعال در آیه ۱۴ تغابن مؤمنان را به عفو همسران و فرزندان توصیه می‌فرماید که به نوعی با انسان دشمنی دارند. در این آیه از سه واژه ی عفو، صفح و غفر برای مفهوم گذشت استفاده شده است. خداوند متعال در این آیه توصیه می‌فرماید که از همسران و فرزندان که با ایشان دشمنی دارند، ابتدا پرهیز نمایند. این دشمنی، دشمنی در دین ایشان است؛ به این صورت که ایشان را از دستورات الهی و یا از اعمال صالحی که باعث رسیدن به ثواب الهی می‌شود، باز می‌دارند. (با توجه به مطالب سوره مفسران علت این دشمنی را منع ازواج و اولاد از انفاق و یا از هجرت ایشان به مدینه دانسته‌اند) و منظور از این حذر کردن، عدم پیروی از خواسته‌های نابجا ایشان است. سپس می‌فرماید که پس از این پرهیز، ایشان را عقاب نکنید، از خطایشان درگذرید و ملامتشان نکنید و خطایی را که از ایشان سر زده بپوشانید و آن را اظهار نکنید (زحیلی، ۱۴۲۲ ه.ق. : ج ۳/ ۲۶۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ ه.ق. : ج ۸۰/ ۲۸) چرا که خداوند هم شما را می‌بخشد و بر شما رحم می‌آورد.

در این آیه خداوند به خطاب به مؤمنین بیان می‌دارد که اگر همسر و فرزندان با شما در مسیر پیمودن راه حق دشمنی نمودند، از خواسته آنان و نه از خودشان حذر کنید، چرا که در ادامه آیه به صراحت اعلام می‌کند که در صورت پشیمانی از آنها گذشت کرده و ملامتشان نکنید و حتی عیوب آنها را پوشانده و از یادآوری اشتباهشان خودداری نمایید.

۴- عفو بعد از طلاق:

در آیه ۲۳۷ بقره بخشش مالی به همسر مطلقه از مصادیق عفو محسوب شده است؛ زیرا در آن بین فرد بخشنده و شخص مورد بخشش کدورتی نیز وجود دارد و لازمه ی بخشیدن مال، بخشش خطای فرد است. آیه مذکور ابتدا حق زن و شوهر در هنگام طلاق را بیان می کند؛ به این صورت که مرد در صورت نزدیکی نکردن با همسر خود باید نصف مهر زن را پرداخت نماید و زن حق ندارد اضافه بر آن را مطالبه کند؛ اما بعد راه عفو و گذشت را نیز نشان می دهد و به آن ترغیب می نماید. در مورد عبارت «یعفو الذی بیده عقد النکاح» در آیه مذکور مفسران نظرات گوناگونی را بیان کرده اند. برخی منظور آن را ولی زن (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. ج ۲/۲۴۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ج ۲/۴۸۴) و برخی دیگر شوهر (قاسمی، ۱۴۱۸ه.ق. ج ۲/۱۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲/۵۹۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۲/۱۶۳) دانسته اند و بیان داشته اند منظور از بخشش شوهر آن است که نصف دیگر مهر را نیز به همسرش ببخشد؛ در واقع یعنی تمام مهر را به زن بدهد.

مسلم است دختر یا زنی که بعد از عقد یا پیش از زفاف از شوهر خود جدا می شود، ضربه سختی می خورد و از نظر اجتماعی و روانی با مشکلاتی مواجه خواهد شد و بی شک گذشت شوهر و پرداخت تمام مهر تا حدی بر این جراحات مرهم می گذارد.

۵- عفو از قصاص:

یکی دیگر از مصادیق بخشش در قرآن، عفو از قصاص می باشد. خداوند متعال در آیه ۱۷۸ سوره بقره مسلمانان را به این موضوع توصیه می کند. در این آیه واژه «عفو» به مفهوم بخشش می باشد. در ابتدا آیه به رعایت مساوات در قصاص پرداخته و در ادامه بیان می دارد که مؤمنان لازم است روش درستی در پیش گیرند و در مطالبه دیه سختگیری نکنند؛ یعنی به قاتل مهلت دهند و بیش از حق خود را مطالبه نمایند و کسی که برادر دینی اش او را ببخشد، باید بدون معطلی دیه را بدهد. بیشتر مفسران منظور از عبارت «فمن ... اخیه شی» را قاتل و منظور از «اخ» را ولی دم و یا برادر مقتول دانسته و مرجع ضمیر «ه» در «اخیه» را قاتل بیان داشته به حسب اینکه قاتل هم برادر دینی ایشان محسوب می گردد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳/۳۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. ج ۵/۳۴۴-۳۴۵). «ذلک» به تمام آنچه ذکر شد، اشاره می کند و می فرماید این که شما در گرفتن دیه و عفو و قصاص منخیر شده

اید؛ رحمتی از جانب پروردگار است. چرا که برای اهل تورات تنها قصاص و برای اهل انجیل تنها عفو و دیه مقرر گردیده بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق. : ج ۵ / ۳۴۸). در آیه دیگری خداوند متعال می‌فرماید :

"و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات)، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان، قصاص می‌شود و جراحات نیز، قصاص دارد و اگر کسی از قصاص، در گذرد، کفاره او محسوب می‌شود و هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، ستمکار است" (قرآن، مائده، ۴۵).

در این آیه واژه «تصدق» به مفهوم عفو و غفران می‌باشد، خداوند متعال بیان فرموده : کسی که قصاص را صدقه کند؛ یعنی عفو و غفران نماید و از آن چشم پوشی نماید، کفاره گناهانش خواهد بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۴ / ۳۹۲؛ زحیلی، ۱۴۲۲ ه.ق. : ج ۱ / ۴۶۵). آیه مذکور حکم قصاص را بیان می‌کند، که مشابه این حکم در کتاب تورات فعلی آمده است و در آنجا بیان می‌کند:

"و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان به عوض جان بده و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا و زخم به عوض زخم و لطمه به عوض لطمه" (سفرخروج، ۲۱، ۲۳، ۲۵).

و در انجیل متی به نقل از حضرت عیسی (ع) هم چنین مضمونی آمده است (انجیل متی ۵ : ۳۸). بخشی از آیات مربوط به قصاص از مصادیق بخشش مالی محسوب می‌گردد؛ زیرا در آن ولی دم یا مجروح از گرفتن دیه خودداری می‌کند. علاوه بر این، آیات مذکور حکم قصاص را به صورت کامل بیان داشته و در ابتدا آن را حق مسلم فرد دانسته و سپس به عفو و بخشش توصیه می‌نماید.

در برخی از جملات عفو در انجیل اربعه برای تبیین میزان عفو و گذشتی که انسان باید نسبت به دیگران داشته باشد، نمونه‌ها و مصادیقی بیان شده است. به دلیل این که انجیل نگاشته شده، وحی مستقیم خداوند نیستند که به مناسبت خاص و برای موردی ویژه بیان شده باشند، نمونه‌ها و مصادیق عفو هم در موارد خاص بیان و فقط به عنوان مثال گفته شده است از جمله آن که می‌گوید :

"پس اگر نذر داری و می‌خواهی در خانه خدا قربانی کنی و همان لحظه به یادت می‌آید که دوستت از تو رنجیده است، گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از

دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن. آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن." (انجیل متی، ۵: ۲۳)

در این جملات اهمیت بخشش و آشتی با یکدیگر به وضوح با مصداقی از اینگونه موقعیتهای بیان شده است. در واقع این جملات یادآوری می کنند که قهر، دلسردی و رنجش بین فرد و دوستانش، در روز جزا جبران نمی شود و باید هر چه زودتر، بدون هیچ درنگ و تأملی این آزرده‌گی پایان پذیرد (Bockmuehl, 2001: 36). در اینجا اولویت عفو، نسبت به قربانی کردن به وضوح بیان شده است.

در جایی دیگر روزی حضرت عیسی (ع) به همراه شاگردان خود بر فراز تپه‌ای بر آمد و فرمود:

«گفته شده اگر کسی چشم دیگران را کور کند، باید چشم او را کور کرد و اگر دندان کسی را بشکند، باید دندان او را شکست. اما من به تو می گویم اگر کسی به تو زور گوید، با او مقاومت نکن. حتی اگر به گونه راستت سیلی زدند گونه دیگر را پیش ببر تا به آن سیلی بزند. اگر کسی را به دادگاه کشانید تا پیراهنت را بگیرد، عبای خود را نیز به او ببخش. اگر یک سرباز رومی به تو دستور دهد که باری را یک میل حمل کنی، تو دو میل حمل کن. اگر کسی چیزی از تو خواست به او بده و اگر از تو قرض خواست، او را دست خالی روانه مکن. شنیده اید که می گویند با دوستان خود دوست باش و با دشمنانت دشمن؟ اما من به شما می گویم دشمنان خود را دوست بدارید و هر که شما را لعنت کند برای او دعای خیر و برکت کنید. به آنانی که از شما نفرت دارند نیکی کنید و برای آنان که به شما ناسزا می گویند و شما را آزار می دهند، دعا خیر کنید. اگر چنین کنید فرزندان راستین پدر آسمانی خود خواهید بود؛ زیرا او آفتاب خود را بر همه می تاباند؛ چه بر خوبان و چه بر بدان. باران خود را نیز بر نیکوکاران و ظالمان می بارند. اگر فقط آنانی را که، شما را، دوست دارند محبت کنید چه برتری بر مردمان پست دارید، زیرا ایشان نیز چنین می کنند.» (انجیل متی، ۵: ۴۷-۳۸؛ انجیل لوقا، ۶: ۳۶-۲۷).

این جملات مصادیق و نمونه های مختلف بخشش را در موقعیتهای گوناگون بیان می دارند. نمونه هایی که می خواهند انسان را به بالاترین درجه ی گذشت و بخشش که بخششی خدا گونه است، دعوت نمایند.

۶- عفو عامه ی مردم:

عفو و گذشت دستور خداوند است که آن را به پیامبر خود امر می کند (قرآن، اعراف، ۱۹۹) گرچه میتوان مخاطب آیه را مشرکان دانست، اما چون دلیلی برای اختصاص آیه به مشرکان وجود ندارد، بیشتر مفسران خطاب آیه را عام دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴/۷۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق.، ج ۸/۳۷۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ه.ق. : ج ۲/۲۶۰). هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر (ص) درباره ی مفهوم عفو از جبرئیل پرسش نمود. جبرئیل گفت: نمی دانم، باید پرسیم. سپس برگشت و گفت: ای محمد، خدا امر کرده که از کسی که به تو ظلم نموده درگذری؛ به کسی که تو را محروم ساخته ببخشی و به شخصی که با تو قطع رابطه کرده بپیوندی (زمخشری، ۱۴۰۷ه.ق. : ج ۲/۱۹۰). به این ترتیب آیه مذکور، امر نمودن پیامبر (ص) به عفو عامه ی مردم بوده و خط مشی عملی دعوت مردم به اسلام را برای ایشان ترسیم نموده است.

۷- عفو مسلمانان:

خداوند در آیه ۱۵۹ آل عمران پیامبر (ص) را به عفو مسلمانان امر کرده است؛ آیه ی فوق درباره مسلمانان است که در جنگ احد به دلیل فرار برخی از میدان جنگ شکست خوردند، (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۳/ ۱۴۱) ولی پس از جنگ به علت اندوه کشته شدن دوستانشان، به پیامبر (ص) خرده گرفتند و ایشان را مقصر قلمداد کردند. خداوند هم به این دلیل در بیان داستان از سخن گفتن با ایشان اعراض و به پیامبر (ص) التفات می کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. : ج ۴/۵۶). آیه مذکور به این نکته اشاره دارد که اگر مورد ظلم مسلمانی واقع شدید، او را ببخشید و از خداوند نیز برای او طلب بخشش نمایید و در نهایت به گونهای با او رفتار نمایید که احساس خجالت و شرم در او به وجود نیاید.

همچنین در آیه ۲۲ نور مسلمانان را به عفو یکدیگر امر مینماید. بنابر آنچه در تفاسیر آمده است عدهای از صحابهی ثروتمند قسم خوردند که به هیچ مسلمان تهیدستی که در جریان «افک» شرکت کرده بودند، کمک مالی نکنند. این جریان را منافقین مطرح و مسلمانان ناآگاه نیز به آن دامن زدند. این خطا، خطای بزرگی بود که گذشت بسیاری می طلبید؛ خصوصاً از جانب افرادی که در معرض تهمت واقع شده بودند. اما برخی از مسلمانان افراط کرده و به این بهانه از بخشیدن مال خود به خطاکاران نیازمند بدون دستور خداوند و

پیامبر (ص) خودداری کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق: ج ۱۵/ ۹۴). در این آیه از واژه های عفو و صفح به معنای بخشش استفاده شده است و با توجه به موضوع آیه ی مذکور، به نظر می رسد که معنای گذشت در آن بیشتر ناظر به امور مادی باشد تا بخشش صرف را دربرگیرد. گرچه معنای بخشش درونی و قلبی را نیز در بردارد؛ چرا که عفو مقدم بر بخشش مالی است و تا انسان قلباً راضی نباشد، نمی تواند بخشش مالی داشته باشد. بنابراین خداوند متعال با نزول آیه مذکور، نه تنها به گذشت و غفران از خطای مسلمانان امر می نماید بلکه به بخشش و کمک مالی به آنان نیز فرمان می دهد.

۸- عفو اهل کتاب:

در آیه ۱۳ سوره مائده پیامبر اکرم (ص) امر به عفو اهل کتاب شده اند (معرفت، ۱۴۲۸ه.ق: ج ۱/ ۹۲) بیشتر مفسران این آیه را درباره یهود دانسته اند (طبری، ۱۴۱۲ه.ق: ج ۶/ ۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳/ ۲۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق: ج ۵/ ۲۴۰). اما برخی هم معتقد بودند آیه درباره یهود و نصاری است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۴/ ۳۲۲). به هر حال این آیه درباره برخی از خطاهای بزرگ اهل کتاب مانند؛ عهدشکنی های مکرر، تحریف کلام خدا و خیانت های پی در پی آنان به پیامبر اکرم (ص) است که خداوند متعال، رسول خود را به بخشش و گذشت از آنان امر می نماید. خداوند متعال در آیه ۱۰۹ بقره مسلمانان را به عفو و صفح اهل کتاب امر فرموده؛ در تفاسیر کلمه صفح، به معنای روی گرداندن و صرف نظر کردن است و چون با قرینه عفو استفاده شده، مشخص می شود که این عمل با حالت قهر نیست، بلکه با حالت گذشت بزرگوارانه است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۱/ ۴۰۰). پر واضح است که با وجود قدرت داشتن مسلمانان در انتقام گیری، خداوند آنان را به عفو فرمان می دهد؛ از طرفی ضعیف پنداشتن مسلمانان و ناتوانی در مقابله با اهل کتاب در این آیه صحیح نیست چرا که خداوند متعال در ادامه آیه به مسلمانان، اعلام فرمان جهاد از سوی خودش را بیان می فرماید.

۹- عفو مشرکین:

بیشتر آیاتی که بر پیامبر (ص) در خصوص عفو نازل شده، در مورد عفو مشرکان است. چرا که بعد از آیه ۱۹۹ سوره اعراف؛ تا هنگام هجرت به مدینه، پیامبر (ص) مکرراً به عفو

مشرکان از سوی خدای تعالی امر گردیدند. در آیات ۸۹ زخرف و ۸۵ حجر واژه «صفح» به معنای عفو و گذشت است. تفاسیر لغت صفح را در بخش‌های قبلی اشاره کردیم، برخی صفح را بلیغ تر از عفو محسوب کرده‌اند، زیرا در صفح علاوه بر گذشت از خطای دیگران، معنای روی‌گرداندن و گناه خاطی را نادیده گرفتن نیز لحاظ شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. ج ۲/ ۱۹۰). به نظر می‌رسد در این آیات صفح همان معنای اعراض و پاک کردن دل از کینه و ناراحتی فرد خاطی را داشته باشد؛ حالتی که هیچ‌گونه کینه و کدورتی از فرد خاطی را در دل نداشته و او را مورد بخشش قلبی قرار دهد.

در تفسیر نمونه پیرامون صفح اینگونه ذکر شده است؛ روی‌گرداندن از چیزی، گاه به دلیل بی‌اعتنایی و قهرکردن است و گاه به دلیل عفو و گذشته بزرگوارانه، در آیه یاد شده، صفح با کلمه جمیل توصیف شده است تا معنای دوم را افاده کند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۱۱/ ۱۲۸) به علاوه صفح نوع اول که حالت قهر دارد، شایسته مقام نبوت نبوده و در بین مردم عادی متداول است. در آیه ۸۵ حجر صفح با «و قل سلام» همراه است. برخی تفاسیر این سلام را تحیت و احترام ندانسته‌اند و آن را مدارا و متارکه معنا کرده‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۲۱/ ۱۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق. : ج ۱۸/ ۱۲۸). برخی تفاسیر نیز معنای سلام را ایمنی دانسته و گفته‌اند مراد این است که شما از دست ما سالم و ما نیز از دست شما در امان باشیم؛ یعنی کاری به کار هم نداشته باشیم (دروزه، ۱۳۸۳: ج ۴/ ۵۳۳؛ طبیب، ۱۳۷۸: ج ۱۲/ ۶۷). این دو معنا با هم تفاوتی ندارد؛ چرا که سلام متارکه، یعنی از آزار هم در امان بودن و این معنی خود، مبین معنای اعراض در واژه صفح است. ویژگی دیگر این آیات این است که به فرا رسیدن قیامت و عقوبت مشرکان در آن زمان به صراحت اشاره دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد در آیاتی که خدا پیامبر (ص) را با واژه صفح به عفو مشرکان امر کرده است، گذشت، در برابر مشرکینی مدنظر باشد که عناد و لجاجت دارند و به هدایتشان امید نیست. پیامبر (ص) به بخششی اعراض گونه در برابر آنان امر شده است، گذشتی که در قلب و جان ایشان هیچگونه ناراحتی و کینه‌ای باقی نماند و به گونه‌های بزرگوارانه از مشرکان اعراض نماید. در برخی آیات قرآن کریم نیز خداوند مسلمانان را به عفو مشرکان امر نموده و می‌فرماید: «به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به آیام الله (روز رستاخیز) ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند، جزا دهد» (قرآن، جائیه، ۱۴)؛ در آیه یاد شده واژه مغفرت به کار رفته که مفسران آن را مترادف عفو،

صفح و ترک عقوبت دانسته اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۲۱ / ۲۴۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه.ق: ج ۵ / ۵؛ زحیلی، ۱۴۲۲ ه.ق. : ج ۳ / ۲۳۹۸). در واقع مطابق آنچه بیان شد، کسانی که امیدی به هدایتشان وجود ندارد، عفو و غفران باید به صورت اعراض و بی‌اعتنایی صورت پذیرد.

۱۰- عفو مجرم در صورت توبه کردن:

خداوند متعال در آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده می‌فرماید:

" کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و برای فساد در روی زمین تلاش می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند و ... مگر کسانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید خداوند آمرزنده و مهربان است. "

در اناجیل اربعه مانند قرآن کریم چنین آیات و عباراتی وجود ندارد که خود نشان از افتراق این امر دارد که در پایان مقاله بدان پرداخته شده است.

– مقایسه روش ها، مصادیق و مفاهیم عفو و غفران در قرآن کریم و اناجیل اربعه:

با بررسی نوع خطاب در آیات عفو و غفران در قرآن کریم و جملات عفو در اناجیل اربعه، مشخص میشود، گرچه تفاوت بارزی بین مصدر قرآن و اناجیل اربعه وجود دارد و اینکه قرآن عین وحی است، اما اناجیل اربعه از منقولات حضرت عیسی (ع) و شاگردان ایشان می‌باشد؛ نوع خطاب تعالیم عفو در این دو کتاب مقدس دارای اشتراکات بسیاری است. گرچه افتراقاتی نیز دارند.

الف – اشتراکات:

با مطالعه دقیق آیات عفو در قرآن کریم و جملات عفو در اناجیل اربعه روشن می‌شود که خطاب این تعالیم به هم شباهت بسیاری دارند. آنها در برخی روش‌های دعوت، مفهوم و مصداق با هم اشتراک دارند. از جمله این اشتراکات در نوع خطاب به موارد زیر می‌توان اشاره نمود.

۱- در روش دعوت :

دو کتاب مقدس قرآن کریم و اناجیل اربعه، گاه از روش های مشابهی برای دعوت مردم به عفو بهره گرفته‌اند. این موارد عبارتند از : توصیه مستقیم و مؤکد به عفو، استفاده از روش غیرمستقیم در دعوت انسانها به این فضیلت و ارائه الگوی علمی.

مسأله ای که در آیات عفو قرآن و جملات اناجیل اربعه بسیار برجسته بوده و توجه مخاطب را به خود جلب می کند، این است که در هر دو کتاب مقدس توصیه مؤکد به این دو فضیلت اخلاقی شده است. از جمله آیات بسیاری که در آن مسلمانان به عفو توصیه شده اند، می توان به آیه ای اشاره کرد که مسلمانان در آن از خطای همسران و فرزندان که با ایشان به نحوی دشمنی دارند، درگذرند و حتی دیگر اشتباهاتشان را یادآوری نکنند (قرآن، تغابن، ۱۴). در اناجیل اربعه نیز به این فضیلت اخلاقی تأکید فراوان شده است. وقتی سخن بخشش به میان می آید؛ با بیان مصادیق گوناگون آنچنان به آن توصیه می نماید که گویا این گذشت هیچ محدودیتی ندارد. یکی از موارد آن زمانی است که بخشش را نامحدود جلوه می دهد و تشویق می کند که حتی دشمنان را باید عفو کرد؛ زیرا خداوند نیز نسبت به حق ناشناسان مهربان و بخشنده است (انجیل لوقا، ۶: ۳۶-۲۷).

۱- در توصیه از روی لطف و مهربانی :

از جمله مواردی که در نوع خطاب جملات عفو قرآن و اناجیل اربعه دارند؛ این موضوع است که بیشتر تعالیم عفو در دو کتاب مقدس از روی لطف و مهربانی الهی بیان شده اند. در قرآن همه آیات عفو از سر لطف الهی بیان شده اند در بیشتر این آیات خداوند بعد از دعوت به عفو، آمرزش و بخشش خویش را به عفو کننده وعده می دهد. از جمله زمانی که انسان را به عفو عامه مردم توصیه می کند خداوند از خویش با صفت «عَفُوٌّ» یعنی بخشنده یاد می کند (قرآن، نساء، ۱۴۹). در اناجیل اربعه نیز بیشتر جملات عفو، با یادآوری بخشش الهی و یا پاداش او همراه هستند. هنگامی که توصیه می کند که رفتار بد دیگران را تحمل کنید و ایشان را ببخشید، پاداش آسمانی خداوند را متذکر می شود (انجیل لوقا، ۳: ۱۴-۱۲).

۲- در مصادیق بخشش:

با نگاهی دقیق به تعالیم عفو در قرآن و اناجیل اربعه، مشخص می شود که هر دو کتاب مقدس گاه با بیان برخی مصادیق بخشش، انسان را به این فضیلت دعوت می نمایند و چگونگی این گذشت را با بیان نمونه های مختلف بیان می دارند. گرچه مصادیق قرآن واقعی هستند و بنا به موقعیتهای گوناگون بیان شده اند و مصادیق اناجیل اربعه، موقعیتهای فرضی را نشان می دهند، اما هر دو کتاب از این روش بهره گرفته اند. لذا این روش که در اناجیل اربعه غیرمستقیم است، از روشهای مستقیم قرآن محسوب می شود. به همین دلیل آن را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داده ایم. از آن جمله وقتی خداوند در قرآن انسان را به عفو بدهکار تهیدست دعوت می نماید و مصداقی از بخشش را که بخشش بدهکاری است که تمکن مالی ندارد، بیان می کند و می گوید تا زمانی که تمکن مالی پیدا کند، باید به او مهلت داد و بعد نیز می فرماید اگر طلب را به او انفاق کنید بهتر است (قرآن، بقره، ۲۸). در اناجیل اربعه نیز از این گونه موارد و مصادیق بسیار دیده می شود. از آن جمله است مواعظی که حضرت عیسی (ع) بر فراز تپه ای در جمع مردم و شاگردانشان می فرماید و بخشیدن ردا به غاصب پیراهن، پذیرش سیلی دوباره از سوی ضارب و... را به عنوان نمونه ای از این بخشش معرفی می کند (انجیل متی، ۵: ۴۷-۳۸).

۳- در اشکال توصیه:

یکی از روشهای دعوت مردم به عفو، روش غیرمستقیم است. برخلاف روش توصیه مستقیم که در آن به صورت مشخص و مستقیم انسانها به عفو توصیه می شوند، در روش غیرمستقیم از روش های غیرمستقیم و نامحسوس برای دعوت مردم به این فضیلت استفاده شده است. قرآن و اناجیل اربعه هر دو از این روش برای دعوت مردم به عفو بهره جسته اند. گرچه برخی از شیوه های دعوت غیرمستقیم آنها با هم متفاوت است. لیکن به دلیل این که امروزه ثابت شده این روش، شیوه مؤثرتری در تربیت انسانها می باشد، لذا به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

۴- در استفاده از تمثیل:

در قرآن کریم در داستان پیامبران از این روش برای دعوت به عفو استفاده شده است. در اناجیل اربعه نیز در تعالیم عفو از تمثیل و یا داستانهای تمثیلی استفاده شده؛ به نظر می‌رسد در زمان حضرت عیسی (ع)، استفاده از ادبیات تمثیلی معمول بوده است و یا اینکه ایشان برای درک بهتر مردم از تعالیمشان، از این روش کمک می‌گرفتند. در اناجیل اربعه، حضرت عیسی (ع) برای اهمیت بخشش برادران و دوستان از داستان تمثیلی بدهکاری بهره می‌جوید که به پادشاه بدهکار بود و مورد عفو پادشاه قرار گرفته بود. ولی بخاطر اینکه آن مرد نسبت به بدهکارش بخشش نداشت، او را به زندان انداخت و به او گفت من به خواهش تو قرضت را بخشیدم. آیا تو نیز نباید به بدهکارت رحم می‌کردی و او را می‌بخشیدی؟ این داستان به عنوان تمثیلی برای بخشش برادر مطرح شده است و بیان شده که اگر فرد برادرش را نبخشد، خدا نیز با او همچون آن پادشاه رفتار خواهد کرد (انجیل متی، ۱۸: ۳۵-۲۱).

۵- در ارائه الگوی عملی:

با بررسی تعالیم عفو در قرآن و اناجیل اربعه مشخص می‌شود که هر دو کتاب آسمانی برای دعوت مردم به بخشش از الگوی عملی برای این فضیلت که همان پیامبران حامل شریعت هستند، بهره جسته‌اند. همان طور که ذکر شد، این مورد در واقع روش غیرمستقیم دعوت به عفو است، اما به دلیل اهمیتی که دارد به صورت جدا مطرح شده است. قرآن نرم خوبی و اخلاق خوش پیامبر اسلام را علت جذب مردم به دین اسلام و گردآمدن ایشان در اطراف پیامبر (ص) ذکر کرده است (آل عمران، ۱۵۹). در اناجیل اربعه نیز می‌توانید مشابه این آموزه را دید، آنجا که درباره خصوصیات حضرت عیسی (ع) به عنوان نمونه و الگو سخن گفته شده، از عشق و گذشت به عنوان مهمترین خصوصیات و ویژگی آن حضرت یاد شده است. ایشان به عنوان کسی که به ناسزا پاسخ نمی‌گوید و تهدید به انتقام نمی‌کند معرفی شده است (انجیل متی، ۲: ۲۳). در این دو کتاب مقدس، علاوه بر این که پیامبران به عنوان الگوی برتر این فضیلت معرفی شده‌اند. بلکه پیروان ایشان نیز از جمله الگوی عملی این رفتار شناخته شده‌اند. مثلاً در قرآن وقتی درباره خصوصیت پرهیزکاران و یا بندگان برگزیده خداوند صحبت می‌گردد، بخشش از جمله خصوصیات بارز ایشان بیان می‌شود (

قرآن، شوری، ۳۷). در اناجیل اربعه نیز، از رفتار رسولان به عنوان الگو یاد می‌کند و بدی را با خوبی و نیکی پاسخ دادن از جمله این خصوصیات می‌شمرد (انجیل لوقا، ۴: ۱۶-۱۲).

۶- در نوع مخاطب:

یکی از مشترکات قرآن و اناجیل اربعه در تعالیم عفو که در نوع خطابشان کاملاً مشخص و حائز اهمیت می‌باشد، توجه ویژه و خاصی است که در دو کتاب مقدس به بخشش دوستان و برادران دینی مبذول داشته‌اند. هر دو کتاب تنها بخشش و گذشت از خطای برادر و دوست را کافی نمی‌دانند و علاوه بر اینکه به بخشش کامل خطای او توصیه می‌نمایند، سفارشات خاص دیگری نیز در مورد او دارند. از جمله این موارد آیه‌های است که در آن خداوند مسلمانان را به عفو مسلمان خطا کار امر کرده است و با وعده «مغفرت الهی» ایشان را به عفو تحریض می‌نماید (قرآن، نور، ۲۲). در اناجیل اربعه نیز ما شاهد چنین تأکیدی در بخشش برادران و دوستان می‌باشیم. از آن جمله زمانی است که از حضرت عیسی (ع) در مورد بخشش برادر و دوستش می‌پرسد و ایشان او را به بخشش نامحدود و بی‌مرز او سفارش می‌کند (انجیل متی، ۱۸: ۲۱) و یا هنگامی که با بیان اغراق آمیز درباره کینه برادر سخن می‌گوید و انسان را از داشتن نفرت نسبت به او باز می‌دارد و چنین را چون قاتل وی معرفی می‌نماید، در واقع می‌خواهد بر اهمیت این موضوع تأکید نماید (انجیل یوحنا، ۳: ۱۵).

از جمله موارد مشترکی که در قرآن و اناجیل اربعه با آن مواجه می‌شویم، این است که هر دو کتاب آسمانی، انسان را به عفو دشمن و یا کسی که در حق او بدی روا داشته، توصیه می‌کنند.

برای مثال در قرآن، از انسان خواسته شده، جراح یا قتل را با وجود داشتن حق قصاص عفو نماید و این بخشش در واقع کفاره گناهان او بیان شده است. حتی در قرآن نیز وجود دارد که مسلمان را به عفو دشمنانشان امر کرده‌اند (قرآن، جائیه، ۱۲).

در اناجیل اربعه هم عباراتی از اینگونه کم نیست. برای نمونه می‌توان به عبارتی اشاره کرد که پیروان را به بخشش دشمنانشان، یا عفو غاصب و خدمت به سرباز دشمن دعوت می‌کنند (انجیل متی، ۵: ۴۷-۳۸؛ انجیل لوقا، ۶: ۳۶-۲۷).

ب- افتراقات

نوع خطاب تعالیم عفو در قرآن گاه دارای خصوصیتی است که در اناجیل اربعه وجود ندارد و ویژگی خاص آن است. برخی از روش های نوع خطاب تعالیم عفو در اناجیل اربعه نیز مختص خودش است و در قرآن از آن استفاده نشده است.

۱- در نوع مخاطب:

مخاطب آیات عفو در قرآن کریم با مخاطب عفو در اناجیل اربعه، در یک مورد متفاوت است. مخاطب آیات عفو در قرآن، هم مردم و هم پیامبر هستند. در حالی که مخاطب جملات عفو در اناجیل اربعه فقط مردم هستند، نه حضرت عیسی (ع). به نظر می رسد دلیل این وحی بودن قرآن و عین کلماتی می باشد که به پیامبر (ص) نازل شده است. به همین دلیل گاه مخاطب آیات خود ایشان هستند. مانند آیاتی که برای پیامبر (ص) خط مشی خاصی را در تبلیغ دین تعیین می کند و ایشان را به در پیش گرفتن بخشش امر می کند (قرآن، اعراف، ۱۹۹). مخاطب برخی آیات دیگر عامه ی مسلمانان می باشند که به عفو توصیه یا امر شده اند (قرآن، بقره، ۱۰۹). لیکن در اناجیل اربعه، شاید چون کلماتی از جانب خدا نیست و مفاهیم توسط حضرت عیسی (ع) بیان و به وسیله شاگردان ایشان نقل و بعدها نگارش شده است. مخاطب جملات فقط مردم هستند. همچون عباراتی که حضرت عیسی (ع) در دعوت مردم به عفو بیان داشته اند.

۲- در روش دعوت:

با مطالعه جملات مربوط به عفو در قرآن و اناجیل اربعه، مشخص می شود که در اناجیل اربعه نوع خطاب فقط توصیه است. گرچه برخی از این توصیه ها به صورت توصیه مؤکد هستند؛ اما حالت امر ندارد. در قرآن نوع خطاب هم به صورت امر و هم به صورت توصیه است. به نظر می رسد علت این مسأله، وجود شرایطی بود که در زمان پیامبر (ص) عمل به این فضیلت را ضروری ساخته است. پیامبر اسلام و مسلمانان در موقعیت های متفاوت نسبت به گروههای مختلف مردم به عفو امر شده اند (مانند: قرآن، بقره، ۱۰۹). از جمله این شرایط و علل می توان به نداشتن توان مقابله، رعایت مصالح جامعه اسلامی، تبلیغ اسلامی و ... اشاره کرد. عللی که می توان آن را به موقعیت های مشابه پس از وفات پیامبر (ص) نیز تعمیم داد و عفو را به عنوان گزینه برتر انتخاب نمود. نمونه هایی از این

آیات در قسمت های پیش ذکر شد. اما در اناجیل اربعه نوع خطاب همیشه به صورت توصیه مؤکد بوده و از این حیث با قرآن متفاوت است. از جمله می توان به جمله ای اشاره کرد که نفرت برادر از برادر خویش را چون قتل او تلقی می کند (انجیل متی، ۱۸ : ۳۵-۲۳).

۳-در مصادیق :

در قرآن وقتی برای بخشش مصداقی بیان می شود؛ آن مصداق عینی است؛ به این معنا که بر اساس واقعیت خارجی بیان شده و یا شأن نزولی دارد. البته مصداق بخشش فقط به موارد ذکر شده در قرآن محدود نمی شود و این امر در مورد موقعیت های مشابه نیز صدق نمی کند. برای نمونه وقتی خداوند در قرآن در مورد عفو اولاد و ازدواج سخن می گوید، منظور ازدواج و اولادی است که با وی دشمنی داشته و او را به نوعی از راه خدا بازداشته اند. (قرآن، تغابن، ۶۴) گرچه این ازدواج و اولاد در زمان پیامبر وجود داشته اند و در مورد آنان آیه نازل شده، ولی حکم عفو در موارد مشابه آن نیز مورد سفارش است.

اما در مورد مصادیق در اناجیل اربعه باید گفت که مصادیق عینی نیستند و حالت بیان مثال و نمونه دارند. وقتی در مورد پذیرش سیلی دوباره از ضارب صحبت می شود، نه در مورد اتفاقی است که واقعاً رخ داده و نه مقصود پذیرش این سیلی در هر شرایطی است.

نتیجه :

در بینش اسلامی امر به عفو و غفران مرزهای عقیدتی و فکری را درنوردیده و به وسعت انسانیت گسترش یافته و هرگز محدود به مؤمنان نشده است، بلکه شامل انسانها، مسلمانان، اهل کتاب و حتی مشرکین نیز می شود و آنها را در جای خود سزاوار بخشش و گذشت می داند. در روابط فردی مسلمانان با یکدیگر و در مواردی مانند عفو خانواده، عفو بعد از طلاق، عفو از قصاص و ... با وجود قائل بودن حق انتقام برای افراد، اما آنان را به عفو، غفران و بخشش توصیه می کند. همچنین عفو و غفران را یکی از اوصاف، پیامبران الهی، پرهیزکاران و ... برشمرده و آنان را به عنوان الگو معرفی می نماید. در مسیحیت عفو و گذشت به دلیل محبت آنهاست، همانطور که گفته شد محبت برترین فضیلت در مسیحیت شمرده شده است. در اناجیل اربعه بطور مکرر، چگونگی و گستره ی این گذشت مشخص شده و نحوه خطاب جملات عفو به صورت توصیه مؤکد می باشد. دو کتاب مقدس قرآن

کریم و اناجیل اربعه، گاه از روشهای مشابهی برای دعوت مردم به عفو بهره گرفته‌اند. این موارد عبارتند از: توصیه مستقیم به عفو، استفاده از روش غیرمستقیم در ارائه الگوی علمی و استفاده از تمثیل. قرآن و اناجیل اربعه در روش های دعوت، علاوه بر اشتراکات دارای تفاوت‌هایی با هم هستند. این تفاوتها عبارتند از: امر به عفو و بیان مصادیق عینی بخشش در قرآن کریم و توصیه از نوع تهدید در اناجیل اربعه. نوع خطاب تعالیم عفو در قرآن گاه دارای خصوصیتی است که در اناجیل اربعه وجود ندارد و برخی از روشهای نوع خطاب تعالیم عفو در اناجیل اربعه نیز مختص خودش بوده و در قرآن از آن استفاده نشده است.

منابع

- قرآن کریم.
 کتاب مقدس؛ عهد قدیم و عهد جدید.
 آشتیانی، جلال الدین (۱۳۶۸)، تحقیقی در دین مسیح، تهران: نگارش.
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق)، لسان العرب، جلد ۲، بیروت: دارالصادر.
 بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
 توماس، میشل (۱۳۷۷)، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
 دروزه، محمد عزه (۱۳۸۳ هجری)، التفسیر الحديث، قاهره: دارالحديث الكتب العربيه.
 رشیدپور، مجید و دیگران (۱۳۸۰)، خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان.
 زحیلی، وهبه بن المصطفی (۱۴۲۲ه.ق)، التفسیر الوسیط، ج ۳، دمشق: دارالفکر.
 زمخشری، محمود (۱۴۰۷ه.ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
 طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، ۳ جلد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ه.ق)، المیزان فی التفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان العلوم القرآن، جلد ۲، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
 طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ه.ق)، جامع البیان عن تأویل الایات القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
 طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، قم: قسم الدراسات الاسلامیه.
 طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
 عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس فی الفاظ قرآن کریم، تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
 فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ه.ق)، التفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
 قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
 قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، احسن الحديث، تهران: بنیاد بعثت.
 مالرب، میشل (۱۳۷۹)، انسان و ادیان: نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
 مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ه.ق)، من هدی القرآن، تهران: دارالمحبی الحسین.
 معرفت، محمد هادی (۱۴۲۸ه.ق)، تلخیص التمهید، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

References

- Bockmuehl, M. (2001). *The Cambridge Companion to Jesus*. Cambridge: Cambridge University Press .
- Klassen, W. (1996). *The Forgiving Community*. Philadelphia: the Westminster Press.
- Hornby, A. S. (2002). *Oxford Advanced Learners Dictionary*. Tehran: Jahan-e Danesh Press.
- Lamerson, S. (1999). Forgiveness in the Gospel of Matthew. *Quodlibet Journal*, (Vol 1, Num 5, August).
- Oxford Dictionary*. (2004). Oxford: Oxford University Press.
- Quirk, L., and others. (2001). *Long man Dictionary of Contemporary English*. Tehran: Tazaha.